



طراحی الگوی برنامه‌ی درسی هنر دوره‌ی ابتدایی

● حسن شرفی

پژوهشی صورت نگرفته است، ولی به صورت تلویحی و بدون در نظر گرفتن نقش مفاهیم آموزشی و درسی به عنوان خادم و سپردن این نقش به تدارک مواد و وسایل لازم در یک موقعیت و طیف آموزشی خاص، قابل مشاهده است.

استفاده از طرح‌های هنری در کلاس‌های علوم تجربی، به طور قابل ملاحظه‌ای در کاهش اضطراب دانش‌آموزان، دست‌ورزی کردن و کاربرد وسایل آزمایشگاهی، افزایش یادگیری مشارکتی در درس علوم، به دست آوردن اطلاعات و معلومات بهتر، افزایش انگیزه و خلاقیت در یادگیری، و جذابیت هرچه بیشتر آموزش تأثیر زیادی دارد [پرایس، به نقل از: چایچی، ۱۳۷۶].

دیدگاهی که به هنر نقش ثانویه می‌دهد، هنوز در نظام آموزش و پرورش کشور، اگرچه به صورت شعار مطرح می‌شود، ولی به صورت عملی به عنوان یک زمینه‌ی مغفول قابل طرح است. در تقابل با آن، دیدگاهی که به هنر نقش کارکرد اولیه را می‌دهد، در نظام آموزشی به صورت بالقوه وجود دارد و شعار آن در حال مطرح شدن است؛ به امید

عنوان پایان‌نامه: طراحی الگوی مطلوب برنامه‌ی درسی تربیت هنری دوره‌ی ابتدایی و مقایسه آن با وضعیت موجود

پژوهشگر: دکتر محمد امینی

استاد راهنما: محمود مهرمحمدی

دوره و رشته‌ی تحصیلی: دکترا - برنامه‌ریزی درسی (دانشگاه تربیت مدرس)

سال: ۱۳۸۰

کلید واژه‌ها: تربیت هنری، برنامه‌ی درسی تربیت هنری، اصول تربیت هنری در دوره‌ی ابتدایی

بیان مسئله

آموزش هنر همانند سایر مواد درسی در برنامه‌ی هفتگی دانش‌آموز، یکی از کارکردهای اولیه‌ی نظام آموزشی است و تاکنون از آن به عنوان خادم (کارکرد ثانویه) دروس دیگر یاد شده است. ولی امروزه نقش دروس دیگر به عنوان خادم درس هنر مطرح است [مهرمحمدی، به نقل از: شرفی، ۱۳۸۵]. در این خصوص در ایران هنوز

رشد آموزش



شماره ۱
دوره‌ی ششم
پاییز ۸۷

۵۴

این که امکان عملی شدن آن به شدت، مشاهده گردد [شرفی، ۱۳۸۵].

هنر دربرگیرنده‌ی آن بخش از بداعت و خلاقیت انسان است که طی آن فرد، با استفاده از مواد و وسایل هنری و دستی، عواطف، اندیشه‌ها و احساسات خود را که نشئت گرفته از تفسیر بصری تجارب محیطی است، به دیگران منتقل کند در دایرة‌المعارف آمریکا (به نقل از امینی، ۱۳۸۰)، هنر به معنای مهارت کسب شده است و در مورد آن دسته از ویژگی‌ها و قابلیت‌های انسانی به کار برده می‌شود که قابل اکتساب، آموزش و یادگیری است.

جروم هاوس من^۱ (۱۹۷۱)، تربیت هنری را ناظر بر آموزش حواس گوناگون، رشد تجارب حسی و لمسی، حساسیت و برخورد عمیق با جلوه‌های بصری و نقادی هنرمندانه می‌داند. در واقع، از نظری تربیت هنری شامل آموزش اساسی حواس و رشد آگاهی متعالی از تجارب بصری، آفرینش و فهم اشکال نمادین است. افلند^۲ (۱۹۹۴)، هدف تربیت هنری را عبارت از توانا ساختن دانش آموزان و افراد دیگر به کسب مهارت‌های

مربوط به

بیان و ابراز

هنرمندانه، طراحی،

ارزش‌گذاری و قدردانی نقادانه و

کسب آگاهی از هنر و تاریخ آن می‌داند. از

نظر گارتسون (۱۹۹۱)، مفهوم تربیت هنری، فرایند

افزایش و رشد تیزبینی و حساسیت فرد نسبت به

زیبایی‌شناسی است. رایمر (۱۹۷۲) تربیت هنری را

به عنوان رشد آگاهی و حساسیت نسبت به ویژگی‌های

زیبایی‌شناسانه‌ی اشیا و پدیده‌ها تعریف می‌کند. مراد آن

است که زیبایی‌شناسی حوزه‌ای مرتبط با موضوعات و

رویدادهای موجود و واقعی است که قابل مشاهده و ادراک

است. به اعتقاد پرودی (۱۹۷۷)، هنرها موجبات

دست‌یابی انسان را به دانش، بصیرت، ارزش‌ها و معانی

(برای مثال درون‌بینی، تعالی روحی و احساسی ذوقی)

فراهم می‌آورند که در هیچ یک از حوزه‌های محتوایی دیگر

برنامه‌ی درسی وجود ندارد.

از نظر روحی و روانی، تربیت هنری در زمینه‌هایی مانند «تخلیه روانی»^۳، کاهش اضطراب‌ها و نقش‌های روانی، تعدیل عواطف و کنترل احساسات، ایجاد حس «خودارزشی»^۴ و اعتماد به نفس، ابراز وجود، کاهش و حل تعارضات شخصیتی، کسب بینش و بصیرت نسبت به احساسات خود و دیگران، و آشکار ساختن انگیزه‌های ناخودآگاه، نقش و تأثیری قابل ملاحظه دارد [میرزاییگی، ۱۳۷۰].

بنابراین هنر، عقل و احساس ما را متحد، تخیل ما را تحریک و محیط را دگرگون می‌سازد. منتقدان آموزش سنتی هنر، امکانات و قابلیت‌های جدیدی را برای ایجاد تحول در آموزش هنر و زیبایی‌شناسی به دانش‌آموزان مدرسه (به‌طور خاص) و برای کسب معانی از زندگی اجتماعی (به‌طور عام) پیشنهاد کرده‌اند [بدر، ۱۹۹۵].

تربیت هنری در نظام آموزشی کشور ما، از یک سو با محدودیت‌های نظری و از سوی دیگر با موانع و تنگناهای اجرایی و عملی دست به‌گریبان است. محدودیت‌های نظری از عدم باور عمیق (آگاهی) برنامه‌ریزان به نقش هنر در شکوفایی قابلیت‌ها و استعدادها دانش‌آموزان ناشی می‌شود که به حاشیه‌راندن درس هنر کمک می‌کند. علاوه بر این مسئله، موانع اجرای برنامه‌ی درسی هنر به‌عنوان مسئله‌ی اساسی‌تر، تأثیر منفی دارد. مشکلات عمده در اجرای فعالیت‌ها و محتوای برنامه‌ی درسی هنر، در درجه‌ی اول کمبود وسایل و امکانات، در درجه‌ی دوم نبود معلم مستقل هنر و آموزش کافی، و در درجه‌ی سوم کمبود وقت است [شرفی، ۱۳۷۶].

با توجه به مسائل پیش‌گفته، این تحقیق در پی آن بوده است که از طریق طراحی و تدوین الگوی مطلوب برنامه‌ی درسی هنر به تبیین، اعتباربخشی و اعاده‌ی جایگاه تربیت هنری در نظام آموزشی کشور کمک کند.

اهداف عمده‌ی پژوهش

۱. مقایسه‌ی برنامه‌ی درسی هنر دوره‌ی ابتدایی با الگوی مطلوب تربیت هنری ارائه شده
۲. طراحی و ارائه‌ی الگوی مطلوب برنامه‌ی درسی هنر در دوره‌ی ابتدایی

سؤال‌های عمده‌ی پژوهش

۱. برنامه‌ی درسی مطلوب هنر در دوره‌ی ابتدایی دارای چه ویژگی‌هایی است؟

۲. هم‌خوانی برنامه‌ی درسی مطلوب و رسمی هنر در دوره‌ی ابتدایی تا چه میزان است؟

روش تحقیق

این پژوهش دارای ابعاد نظری و تحلیلی بود. بعد نظری (کتاب‌خانه‌ای) برای بررسی سؤال و فرضیه‌ی شماره‌ی ۱ مورد استفاده قرار گرفت که طی آن، با بررسی جامع منابع علمی گوناگون مختلف و دیدگاه‌های متخصصان و صاحب‌نظران، الگوی مطلوب برنامه‌ی درسی هنر در دوره‌ی ابتدایی طراحی و ارائه شد. بعد تحلیلی این تحقیق هم‌ناظر بر بررسی و مقایسه‌ی الگوی مطلوب تربیت هنری با برنامه‌ی درسی رسمی هنر دوره‌ی ابتدایی بود.

یافته‌ها

در این پژوهش بعد از بیان ۱۲ اصل بنیادین تربیت هنری دوره‌ی ابتدایی، الگوی مورد نظر ارائه شد که شامل سه رکن اساسی به شرح زیر است:

۱. رکن تجویزی ناظر بر تدوین اهداف، انتخاب محتوا، تعیین روش‌های یاددهی و یادگیری و شیوه‌های ارزش‌یابی تربیت هنری است.
۲. رکن غیر تجویزی شامل انعطاف و عدم تمرکز در برنامه‌ی درسی هنر است.
۳. رکن تلفیقی در برنامه‌ی درسی هنر در رکن تجویزی بر این نکته تأکید شده است که اهداف تربیت هنری دوره‌ی ابتدایی شامل تولید هنری، تاریخ هنر و زیبایی‌شناسی و محتوای آن شامل هنرهای تجسمی، موسیقی و نمایش است. روش‌های یاددهی - یادگیری ناظر بر استفاده از روش‌های تدریس فعال و مبتنی بر تولید اثر توسط فراگیران است. شیوه‌های ارزش‌یابی هم‌بر اجتناب از روش‌های مرسوم نمره‌گذاری و به‌کارگیری مجموعه روش‌های ارزش‌یابی کیفی تأکید می‌کند.

در رکن دوم، بر اعمال انعطاف و عدم تمرکز در به‌کارگیری این الگو تأکید شده است تا الگوی طراحی شده، متناسب با موقعیت‌ها و اقتضات اجرایی و شرایط دانش‌آموزان باشد.

در رکن تلفیقی بر این مهم تأکید می‌شود که در آموزش هنر باید به ایجاد پیوند و ارتباط آن با سایر قلمروهای محتوایی دوره‌ی ابتدایی توجه اساسی شود تا بر جامعیت فکری و ذهنی دانش‌آموزان بیفزاید.

در ارتباط با سؤال دوم پژوهش باید گفت که میان الگوی

مطلوب طراحی شده برنامه ی درسی هنر و برنامه ی رسمی آن در دوره ی ابتدایی، تفاوت قابل ملاحظه ای وجود دارد.

نتیجه گیری و رهنمودها

هدف کلی این تحقیق، تدوین و طراحی الگوی مطلوب برنامه ی درسی هنر در دوره ی ابتدایی و مقایسه آن با وضعیت موجود بوده است؛ تا به این وسیله، زمینه ای برای به رسمیت شناختن نقش و جایگاه مغفول ولی مهم هنر در نظام آموزش و پرورش (به طور اعم) و در دوره ی ابتدایی (به طور اخص) فراهم آید. متأسفانه در صحنه ی عمل، زنگ هنر از جایگاه مناسبی در میان برنامه های درسی دیگر برخوردار نیست. الگوی پیشنهادی در این پژوهش، می تواند بر غنای مسائل نظری و عملی آموزش هنر به طرز چشم گیری بیفزاید؛ البته چنان چه در درجه ی اول به آموزش ضمن خدمت، افزایش ساعات تدریس هنر، توجیه مدیران، معلمان و والدین نسبت به نقش و اهمیت هنر، تخصیص امکانات کارگاهی به مدرسه و تهیه ی منابع مورد نیاز دیگر، توجه شود.

در راستای تغییر و ارتقای وضعیت تربیت هنری دوره ی ابتدایی، پیشنهادهای به شرح زیر ارائه می شود:

۱. تحول نگرشی در سیاست گذاران آموزشی، برنامه ریزان درسی، مدیران و معلمان مدارس و هم چنین والدین.

۲. استفاده از الگوی ارائه شده.

۳. تربیت معلم تخصصی هنر در درازمدت و وجود یک متخصص و مشاور آموزش هنر در منطقه در کوتاه مدت.

۴. توجه به زمان کافی در درس هنر (لااقل ۲ ساعت در هفته).

۵. برگزاری گردهمایی درباره ی آموزش هنر و هم چنین کلاس های ضمن خدمت.

۶. استفاده از شیوه های ارزش یابی کیفی و ثبت فعالیت ها در پوشه ی کارنما.

۷. توجه به هنرهای بومی در سطح منطقه.

۸. بهره گیری از مطالعات و تجربیات آموزشی کشورهای دیگر در زمینه ی تربیت هنری.

مفاهیم و اصول برنامه ی درسی تربیت هنری

● تربیت هنری عبارت است از: رشد قابلیت های خلاقانه ی دانش آموزان، ادراک حسی عمیق و دقیق نسبت به طبیعت، پرورش و به کارگیری حواس گوناگون کسب

آگاهی غنی و رشد یابنده از تجارب بصری، ساخت و آفرینش پدیده های هنری، شناخت و ارزش گذاری نقادانه ی اشکال نمادین بصری، کسب مهارت های مربوط به ابراز هنرمندانه از طریق هنرهای تجسمی، نمایشی و نظایر آن.

● در طراحی الگوی مطلوب، «برنامه ی درسی تربیت هنری دوره ی ابتدایی» ناظر بر تبیین معنی و مفهوم برنامه ی درسی، انواع الگوهای طراحی، سطوح تصمیم گیری در برنامه ی درسی، الگوی نیازسنجی و تلفیق برنامه ی درسی است.

● اصول تدوین برنامه ی درسی تربیت هنری عبارت اند از:
۱. به عنوان یک کارکرد اولیه در برنامه ی درسی هفتگی تعریف شود.

۲. مهارت های مربوط به تولید هنری را در دانش آموزان رشد دهد، به طوری که مبین مشاهدات، اندیشه ها، نگرش ها و تجارب آن ها باشد.

۳. نگرش های مثبت و سازنده ای را به نسبت ارزش های زیباشناختی ایجاد کند.

۴. موجبات رشد و پرورش مهارت های مربوط به کاوش و تحلیل انتقادی آثار هنری را فراهم آورد.

۵. امکان آگاهی، ادراک و شناخت میراث فرهنگی و تاریخی را فراهم کند.

۶. به جامعیت محتوایی برنامه ی درسی هنر به گونه ای توجه کند که تفاوت های فردی دانش آموزان رعایت شود.

۷. روش های یاددهی و یادگیری را در تدریس به اجرا در آورد.

۸. ارزش یابی از شناخت، مهارت و نگرش های هنری و زیبایی شناسی دانش آموزان را ارزش یابی کند و به این منظور برای مثال از کارنما استفاده کند.

۹. در کلیه ی مراحل طراحی و تدوین، اجرای برنامه و ارزش یابی درهم تنیده باشد.

۱۰. از نظر ساختاری، انعطاف داشته باشد. برای مثال، به علاقه ها و نیازهای ویژه ی دانش آموزان و بهره گیری از خلاقیت های معلمان توجه داشته باشد.

۱۱. هنرهای محلی و بومی را مدنظر قرار دهد.

۱۲. از ابعاد و کارکردهای تلفیقی بهره بگیرد.

زیرنویس

1. grome Hausman
2. Efland
3. catharsis
4. self.worth